فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و چهارم. تابستان ۱۳۹۷، صص۶۹-۵۷ Vol 2. No 24. 2018, p 57-69
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

مطالعه تطبیقی شروط ابتدایی (تعهدات یک طرفه در حقوق ایران و انگلیس)

دکتر علیرضا مظلومی رهنی[۱]. عبدالرضا حاتمی کیا[۲].
اله کرم شهریاری[۳]. الهام احمدی دانشجوی[٤]
۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس. ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم. ایران
۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم. ایران و مدرس دانشگاه
shahryariallah@yahoo.com
٤. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم. ایران
Eli_ahmadi.62@yahoo.com

چکیده

تعهد در عالم حقوق، اصولاً یا زاییدهٔ توافق اشخاص (اعمال حقوقی) و یا ناشی از رویدادهایی است که به حکم قانونگذار تعهدآور است (وقایع حقوقی). اینکه یک شخص بتواند تنها به اراده خویش، تعهدی الزام‌آور برای خود یا دیگری ایجاد کند، از دیدگاه برخی از حقوقدانان امری توجیه ناپذیر و از دیدگاه برخی دیگر امری استثنائی است. چالش اصلی که این تحقیق به آن خواهد پرداخت، عبارت است از بررسی جریان اصل صحت در ایقاعات نامعین و تعهدآور بودن اراده یکجانبه شخص نسبت به خود را به گونه‌ای که بتواند منشأ حقی قانونی برای طرف مقابل شود. در نتیجه این تحقیق مشخص می‌شود که بر طبق اصل حاکمیت اراده و اصل صحت آزادی ایقاعات و همچنین ایقاعات نامعین امری است قابل پذیرش و در صورت تردید در صحت یا عدم صحت ایقاعات نامعین، می‌توان با استناد به این اصول حکم به صحت آن داد.

واژه‌های کلیدی: اراده یکجانبه، تعهد، عقد، ایقاع، عمل حقوقی، حاکمیت اراده، اصل صحت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

تعهّد یک‌جانبه تعهّدی است که با اراده‌ی یک شخص، به طور یک‌جانبه و بدون اینکه توافق و عقدی در میان باشد به وجود می‌آید که در حقوق ما ایقاع مفید تعهّد نامیده می‌شود. نظریه‌ی تعهّد یک جانبه می‌گوید: تعهّد صادرکننده و هر یک از امضاکنندگان سند تجاری از اراده ی یک جانبه ی آنها نشأت می‌گیرد که با امضای سند تجاری، خود را در برابر دارنده و هر کسی که بعد از آن مالک و دارنده‌ی ورقه‌ی تجاری شود، متعهّد می‌کنند. گویی هنگامی‌که سند را امضا می‌کنند با این امضا تعهّد خود را هم انشا می‌کنند (با امضا متعهّد می‌شوم که در مقابل دارنده، وجه سند تجاری را بپردازم). در واقع امضای هر یک از امضاکنندگان سند تجاری یک ایقاع است و اثر حقوقی آن هم ایجاد تعهّد حقوقی یک جانبه است و عقد نیست تا لازم باشد به دنبال نوع عقد و ماهیت حقوقی آن باشیم (قاسم زاده، مرتضی، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی: اصول قراردادها و تعهدات نظری و کاربردی،ص۶۰).

به عبارت دیگر صرف نظر از تعهّد پایه، که منشأ صدور سند است، همین امضای امضاکننده ی سند تجاری تعهّد ایجاد می‌کند و موضوع تعهّد هم پرداخت وجه به هر کسی است که دارنده ورقه باشد (شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۰)، حقوق تجارت بین الملل، ص۱۱۲).

قراداد و تراضی، شایع ترین مفهوم شناخته شده برای ایجاد تعهد، انتقال مالی و. . . می‌باشد. در کنار قرارداد مواردی از ایقاع مانند حیازت مباحات منقول، حق شفعه، وصیت عهدی و ابرا دارای اثر حقوقی شناخته شده‌اند. تعهد یکطرفه نیز به این معنا که فرد بر ذمه خود، تنها با اراده خود ایجاد تعهد کند، یک ایقاع یا عمل حقوقی یکطرفه است. آیا ما می توانیم آن را بعنوان یک تعهد حقوقی بشناسیم و اثر حقوقی این تعهد چه می‌باشد؟ تعهد یکطرفه به این مفهوم تنها حقی را بسود غیر بر ذمه متعهد ایجاد می‌کند، نه مالی را تملیک می‌کند و نه اینکه حقی را بسود خود بر ذمه دیگری ایجاد می کند (اسکینی، ربیعا (۱۳۸۹)، تقریرات درس حقوق تجارت بین الملل، ص۴۵).

تعهد یکطرفه، در صورت عدم برخورد با قوانین امری، می تواند به عنوان منبعی عام در جهت ایجاد تعهد بر ذمه مدیون عمل کند و صرف نظر از مواردی که قانون ایجاد آنها را بصورت عقود معین، مقرر کرده است در سایر موارد ایجاد تعهد بصورت یکطرف ممکن می باشد. مشکل اصلی در عدم شناسایی این منبع ایجاد تعهد، عدم سازگاری آن با مفهوم عرفی تعهد دانسته شده است و عنوان اینکه قانون تعهد یکطرفه را در زمره منابع ایجاد تعهد ذکر نکرده است. جهت حل مشکل ما باید به یافتن مبنای اصلی ایجاد تعهد بپردازیم و بین ایجاد یک تعهد و لزوم آن تفاوت قائل شویم. مبنای اصلی ایجاد تعهد، سوای مواردی که قانون بر افراد بعنوان قاعده امره تحمیل می‌کند، اصل حاکمیت ارائه است. در تعهد یکطرفه نیز اصل حاکمیت اراده به نحو بارزی، متظاهر است. تعهد یکطرفه بر اساس جریان (رساله اللزوم) در ایقاعات، تعهدی لازم و غیرقابل رجوع می باشد (قنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، حسن، عبدی پور، ابراهیم، (۱۳۸۹) حقوق قراردادها در فقه امامیه، دو جلد، جلد دوم، ۱۵۴).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اجرای تعهد قراردادی در حقوق کشورهای کامن لا، تحت عنوان **Performance** مطرح شده و عبارت از انجام تعهد ناشی از وعده قرارداد یا سایر تعهدات، توسط متعهدی است که هر گاه از اجرای تعهد خودداری نماید، آثار نقض قرارداد متوجه او خواهد بود. این تعریف کم و بیش در فرهنگ اختصاصی حقوق انگلستان آورده شده است. در حقوق انگلیس، قاعده کلی این است که طرفین قرار داد، همان گونه که می‌توانند از طریق توافق (**agreement**) برای خود تعهداتی به وجود آورند، خواهند توانست از طریق توافق، یکدیگر را از تعهداتشان مبرّا (**release**) سازند. به طور مثال: هر گاه (**A**) به عنوان خریدار قادر نباشد، بابت کالاهایی که به او تسلیم شده است، ثمن معامله را به فروشنده (**B**) بپردازد؛ ممکن است (**B**) به موجب توافقی که با (**A**) منعقد می‌کند، ذمه او را نسبت به تعهدی که دارد ابراء نماید. (استون، ۲۰۰۳ ص۱۳).

در حقوق ما، نوعی تبدیل تعهد به اعتبار تغییر دین است؛ ولی، در حقوق انگلیس نباید آن را با (**novation**) که به معنی تبدیل تعهد در حقوق آن کشور است، اشتباه کرد. (**Novation**) عبارت است از ایجاد قراردادی جدید بین طرفین که به موجب آن (**A**)یعنی شخصی که حقوقی را به موجب قراردادی به دست آورده (برای مثال بستانکار) بنا به درخواست (**B**) یعنی فردی که متعهد است (برای مثال بدهکار) موافقت می‌کند که (**c**) مسؤولیت (**B**) را به عهده گرفته یا تقبل کند. بنابراین، (**Novation**) در حقوق انگلیس معنایی مضیق‌تر از تبدیل تعهّد در حقوق ایران پیدا می‌کند (صفایی، حسین، (۱۳۸۵)، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، دو جلد، ص۴).

حال هدف این پژوهش بررسی تعهدات یک طرفه در حقوق ایران و انگلستان پرداخته و به این پرسش اصلی پاسخ گوید که حدود اعتبار تعهد یکطرفه در حقوق ایران و انگلستان چگونه است؟ و این مسئله چگونه می تواند مسئله تعهدات و انجام آن را در حقوق ایران و انگلستان توجیه نماید.

۱- مفهوم تعهد یک طرفه:

تراضی و توافق طرفین چه مبنای آن را در حکومت اراده افراد بدانیم و چه جامعه را منشأ اصلی آن قلمداد کنیم، امری است که همیشه منشأ اثرحقوقی بوده است. اما پذیرش تأثیر حقوقی اراده یکجانبه و یا ایقاع، برعکس عقد، همیشه بحث انگیز و مورد اختلاف بوده است. اینکه یک فرد بتواند با اراده تنهای خود، حق عینی به دست آورد یا آن را ساقط نماید، برای خود حقی بر عهده دیگری به وجود آورد یا تعهدی برای خود و به نفع دیگری ایجاد نماید، غالباً با تردید و شک روبرو بوده است. با اینهمه شاید تکلیف موارد یادشده اول چندان مشکل نباشد. از مهمترین مباحث این اختلافات، امکان ایجاد تعهد برای خود و به نفع دیگری بوده است اگر مؤسسه ای آموزشی به طور یکجانبه اعلام نماید، نصف پول پرداختی اعضای خود را در صورت عدم قبولی در کنکور مسترد خواهد کرد آیا این حق قابل دفاعی برای دانش آموزان آن مؤسسه ایجاد می‌کند؟ از سویی به نظر می رسد اشکالی نداشته باشد که اراده ای آزاد و مختار بتواند خود

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

را متعهد سازد، چراکه هیچ تصرف یا دخالت منفی در حقوق دیگران نمی کند، مخصوصاً که متعهد له نیز بی تردید مجبور به پذیرش این مسئله نیست و می تواند از پذیرش آن خودداری کند. از سوی دیگر، حتی پذیرفتن همین مقدار از ولایت در حقوق دیگران نیز احتیاج به دلیل دارد که بتوان فردی را به عکس العمل در مقابل یک عمل حقوقی واداشت (فصیحی زاده، علیرضا، (۱۳۸۲)، اذن وآثارحقوقی آن، چاپ اول، تهران، مرکزانتشارات دفتر تبلیغ اسلامی، ص ۴۵).

تعهد یکطرفی عبارت است از یک عمل حقوقی که بموجب آن یک فرد بصرف اراده یک جانبه خود تعهدی را علیه خود ایجاد می کند البته مقصود (تعهد یکطرفی لازم) است یعنی شخص پس از اینکه با راده یکطرفی خود تعهدی را علیه خود و بنفع دیگری ایجاد کرد حق فسخ آنرا نداشته باشد (افتخاری، جواد، (۱۳۸۲)، کلیات عقود وتعهدات، ص۱۲۸).

نظریه ی تعهّد یک جانبه می‌گوید: تعهّد صادرکننده و هر یک از امضاکنندگان سند تجاری از اراده‌ی یک جانبه ی آنها نشأت می‌گیرد که با امضای سند تجاری، خود را در برابر دارنده و هر کسی که بعد از آن مالک و دارنده ی ورقه ی تجاری شود، متعهّد می‌کنند. گویی هنگامی‌که سند را امضا می‌کنند با این امضا تعهّد خود را هم انشا می‌کنند (با امضا متعهّد می‌شوم که در مقابل دارنده، وجه سند تجاری را بپردازم). در واقع امضای هر یک از امضاکنندگان سند تجاری یک ایقاع است و اثر حقوقی آن هم ایجاد تعهّد حقوقی یک جانبه است و عقد نیست تا لازم باشد به دنبال نوع عقد و ماهیت حقوقی آن باشیم (بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۱)، کلیات عقود و قراردادها، ص۶۷).

۲- ماهیت تعهد یک طرفه در حقوق ایران

اعمال حقوقی که در پرتو اراده افراد در جهت ایجاد ماهیتهای حقوقی صورت میگیرند، از دو حال خارج نیستند یا عقد هستند یا ایقاع. ماهیت ایقاعات و شناخت کلیات آن- بطور کلی منشأ التزامات در روابط اجتماعی ناظر به اعمال حقوقی و نیز قانون است که می‌تواند موجد آثار حقوقی و قضائی باشد. توافق اراده یا تراضی در معنای اعم یکی از مواردی است که ذمه اشخاص را در برابر یکدیگر مشغول میسازد و ملتزم می‌شوند که آنچه را در برابر دیگری اراده کردهاند به مرحله فعلیت برسانند. ایقاع، عمل حقوقی یکطرفه است که خلاف قاعده و استثنائی بر اصل میباشد بدین لحاظ نمیتواند دارای مصادیق نامحدود باشد و ماده ۰۱ قانون مدنی نیز مشمول چنین عملی نمی‌شود.

اهمیت ایقاع و نقش آن در زندگی اجتماعی بیش از آن است که معمولا در نخستین مگاه بنظر میرسد. با سیری در قانون مدنی و سایر نوشته های حقوقی دریافته می شود غالبه قانونگذار به نظم ناشی از تراضی تمایل دارد و در روابط اجتماعی اصل عدم ولایت را مورد پذیرش قرار داده است و به کرات ملاحظه می‌شودکه همگان تاکید میورزند که تملیک قهری مال ممکن نیست. درنتیجه باید گفت در اعمال حقوق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نافذ در حق دیگران غلبه با عقود است و همین امر گرایش حقوقدانان را در تحلیل عمل حقوقی از راه تراضی توجیه می‌کند.

هر چند در حقوق ایران اصلی ترین چهره اعمال حقوقی را باید در عقود جستجو کرد، اما پرداختن به مسائل و پیچیدگی های ایقاعات و بطور خاص امکان مشروط نمودن آنها ضرورتی است که در جامعه حقوقی بیشتر احساس می گردد. بر اساس دیدگاه مشهور فقها و حقوقدانان، اعمال حقوقی منحصر به دو نوع عقد و ایقاع است و در ماهیت بسیاری از آنها تردیدی وجود ندارد. اما در خصوص عقد یا ایقاع بودن برخی از آنها، مانند وصیت تملیکی و جعاله، اختلاف نظر وجود دارد. منشأ این اختلاف نظر، تعدد و تفاوت معیارهایی است که برای تمایز عقد از ایقاع بیان شده است. رویهم رفته میتوان چهار معیار برای تمایز یافت. عمل حقوقی اگر از دو ارادهٔ وابسته ایجاد شود، عقد، و اگر از یک ارادهٔ مستقل به وجود آید، ایقاع است. عمل حقوقی که با ایجاب و قبول به وجود آید، عقد، و عملی که فقط با یک ایجاب ایجاد شود، ایقاع است. عمل حقوقی اگر با شأن دو نفر مرتبط باشد، عقد، درغیر این صورت ایقاع است. عمل حقوقی که واجد تمام عناصر عمومی عقود باشد، عقد، و در صورتی که از نظر قانونی معتبر باشد، ایقاع است.

۳- شرایط صحت تعهد یک طرفی (ایقاع) در ایران

طبق ماده ۱۰ قانون مدنی هر معامله‌ای صحیح است مگر اینکه فساد آن معلوم شود. این اصل کلی شامل ایقاع نیز می‌باشد. ایقاع نیز همانند عقد در صورت وجود شرایطی صحیح است. این شرایط همان شرایط صحت عقد می‌باشد. در زیر به اختصار چند مورد از آن را بررسی می‌کنیم.

- لزوم اعلام اراده

با نگاهی گذرا به قوانین مربوط به ایقاع متوجه می‌شویم که اراده در ایقاع همانند عقد باید اعلام شود و به اراده‌ی باطنی ترتیب اثر داده نمی‌شود (کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۴۹۵).

- سلامت اراده

از قوانین به خوبی برمی‌آید که باید قواعد مربوط به قراردادها را تا جایی که با طبیعت ایقاع سازگار است، در ایقاع نیز رعایت نمود. بنابراین ایقاعات نیاز به قصد ایقاع کننده دارد و ایقاعاتی که بدون قصد باشند مثل ایقاع شخص مست باطل است. همچنین ایقاع نیاز به رضایت رضایت ایقاع‌کننده دارد و ایقاع ناشی از اکراه یا اشتباه موثر نمی‌باشد و غیر نافذ است (همان ص ۴۹۶).

- اهلیت و اختیار

ایقاع کننده نیز باید بالغ، عاقل و رشید باشد. بنابراین ایقاعاتی نظیر طلاق، ابراء و اقرار شخص مجنون، سفیه و صغیر موثر نیست (همان، ص ۴۹۷).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

- موضوع و جهت مشروع

در ایقاع نیز همچون عقد موضوع تعهد باید موجود و مشروع باشد. بنابراین ابرای دینی که هنوز محقق نشده اثری ندارد. مشروع بودن جهت وسیله اخلاقی کردن اعمال حقوقی و محدود کردن آن به مصالح اجتماعی است. بنابراین مشروع بودن جهت در معامله را باید تعمیم داد و شامل ایقاعات نیز دانست (همان ص۴۹۸).

٤- پیشینه تعهد یک طرفی در حقوق کامن لا:

در دوران تسلط رومیان بریتانیا که در حدود پانصد سال (از سال ۵۵ قبل از میلاد ۴۱۰ بعد از میلاد) بطور انجامید حقوق روم نیز در این سرزمین معمول و مجری گردید اما هیچگاه نتوانست مورد قبول مردم بریتانیا قرار گیرد زیرا بمحض آنکه رومیان این جزیره را ترک نمودند تمام آثار دوران تسلط آنان و منجمله حقوق از بین رفت و در حقیقت سپاهیان رومی آن را با خود بازگرداندند و باز دوره جدیدی از بیقانونی در بریتانیا شروع شد کامان لا از همین زمان شروع برشد و تکامل نمود **Geoffrey ,Samuel. (2001). Law of Obligations and LegalRemedies. Second Edition. Cavendish Publishing Limited. p12**).

معذلک امروز می بینیم که برخی از اصول حقوقی معمول در کامان لا از حقوق رم اقتباس گردیده و شاید این توهم بوجود آید که این اصول باقیمانده زمان تسلط امپراطوری روم بر بریتانیا می‌باشد اما این نظر صحیح نیست و تحقیق تاریخی نشان می دهد که پس از رفتن لژیونهای رومی کلیه تاسیسات حقوقی رم بدست فراموشی سپرده شد. منتهی بعداً میسیونهایی مانند میسیون اگوستین در ۵۹۷ بعد از میلاد بر بریتانیا آمدند و قضایی مانند هالت و منسفیلد مبلغ حقوق رم در این جزیره شدند این میسیون ها که بیشتر جنبه مذهبی داشتند موفق گردیدند برخی اصول حقوقی روم را که در کد ژوستی نین ۳ جمع آوری شده بود لابلای تبلیغات دینی به مردم تفهیم نمود و آنها را اشاعه دهند (**Ibid. p13**).

از سال ۱۲۷۲ یعنی سلطنت ادوارد اول ۴ تا اوائل قرن هفدهم تحول تازه ای در روابط حقوقی مردم ایجاد می گردد بدین معنی که ادوارد اول مانند ژوستی نین در تاریخ روم قدیم کلیه قواعد متفرق حقوقی ر جمع آوری نمود و سعی کرد که به وضع قضایی انگلستان سرو صورتی بدهد و آنرا تحت نظم و انضباط در آورد بطوریکه برخی از مورخین او را تالی ژوستی نین و عاقل ترین پادشاه انگلستان دانسته اند (**Ibid. p14**).

۵- اثبات تعهد در تعهدات یک طرفه

اصل شخصی بودن قراردادها (**Privity of contract**) یکی از اصول حاکم بر عقود است که در حقوق اروپا هم در نظام حقوقی کامن لا هم در نظام مدوّن پذیرفته شده است. منظور از این اصل آن است که قراردادی که میان اشخاص منعقد می‌شود فقط طرفین قرارداد از آن عقد منتفع می‌گردند و تنها آنان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

خواهند توانست درباره آن عقد به عنوان ذی نفع در دادگاه طرح دعوی نمایند، و نیز هیچ کس خارج از عقد، مسئولیت و تعهّدی نسبت به عقد نخواهد داشت به عبارت دیگر کسانی که خارج از عقد می باشند و طرفین عقد نیستند مستقیماً نفع و یا زیانی از عقد نخواهند داشت. این اصل مبتنی است بر اصل استقلال و آزادی فردی در ایجاد روابط حقوقی و به عبارت دیگر اصل حاکمیت اراده که به موجب آن هیچ کس نمی تواند اراده خود را بر دیگری تحمیل نماید و بدون اینکه دخالتی داشته باشد، دینی و یا حقّی را بر عهده او واگذارد و یا حقی را برای او به وجود آورد و یا از او سلب نماید.

۱-۵- نیت عینی

احتمالاً، در هنگام تلاش برای تعیین نیت طرفین قرارداد، مشکل‌ترین و مهم‌ترین مسأله، بحث اثبات است: چگونه به افکار ذهنی طرفین در زمان انعقاد قرارداد پی ببریم. در تلاش برای دستیابی به یک پاسخ قانع‌کننده و عملی برای این مسأله، یک تمایز میان نیت عینی و نیت درونی صورت گرفته است (نهرینی، فریدون، (۱۳۸۵)، ماهیت و آثار فسخ قرارداد در حقوق ایران، ص ۱۱۰).

۲-۵- نیت درونی:

اصطلاحی است که به منظور توصیف تصورات ذهنی قابل درک مورد استفاده قرار می‌گیرد (انگیزه درونی یک فرد). عقل سلیم حکم می‌کند که اثبات این انگیزه با قطعیت مورد انتظار یک دادگاه بسیار دشوار خواهد بود: در موضوعات مرتبط با قرارداد (و در واقع هر موضوعی خارج از حقوق جنایی) معیار این اثبات، موازنه احتمالات است به عبارت دیگر یک فرد بتواند با احتمال بیش از ۵۰ درصد (روی هم رفته) اطمینان حاصل نماید که ادله حاصله، نتایج مورد انتظار را اثبات می‌نماید. واضح است که تا این حد مطمئن بودن در مورد افکار ذهنی و روانی یک انسان دیگر، بسیار مشکل است (همان ص۱۱۱).

در مقابل، مفهوم نیت عینی جهت توصیف افکاری مورد استفاده قرار می‌گیرد که بتوان از روی اعمال طرفین به نیت آنان پی برد. به بیان دیگر، سؤالی که به منظور تعیین نیت عینی پرسیده می‌شود، این نیست که: «چه چیزی در ذهن طرفین می‌گذرد؟» بلکه این است که «یک ناظر معمولی و منطقی بر رفتار آنها چه تصوری از نیت آنها می‌تواند داشته باشد؟» در واقع، جایگاه این ناظر بیرونی و فرضی همان جایگاه دادگاهی است که سعی دارد نیات طرفین را تشخیص دهد و در نتیجه، همین مفهوم عینی نیت است که به عنوان محک قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پرونده «اسمیت» و «هاگر» به خوبی مسأله فوق را روشن و تبیین می‌نماید (نوین، پرویز، (۱۳۸۴)، حقوق مدنی ۳، چاپ اول، تهران، انتشارات تدریس، ص ۱۴۵).

این پرونده نسبتاً پیچیده متعلق به قرن نوزدهم درباره فروش مقداری جو دو سر توسط مدعی (که مطابق اصطلاح حقوقی آن زمان خواهان نامیده می‌شود) به خوانده که مالک تعدادی اصطبل بود، می‌باشد. خوانده پس از مشاهده نمونه‌ای از جو دوسر، آن‌را خریداری کرد. برای او بسیار مهم بود که جوها کهنه باشند (زیرا جوهای تازه برداشت شده سبب بروز مشکلات گوارشی در اسب‌ها می‌شدند) پس از آن،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

معلوم شد که جوها طبق انتظار به اندازه کافی کهنه نبوده و برای اسب‌ها مناسب نیستند. بنابراین، خوانده از پرداخت مبلغ مورد توافق خودداری کرد و توسط مدعی تحت پیگرد قانونی قرار گرفت (همان ص ۱۴۶).

این پرونده باعث مطرح شدن مسایل مهمی گردید که فقط یکی از این مسایل به بحث ما مربوط است. یکی از سه قاضی دادگاه سلطنتی (دادگاهی در نظام حقوق انگلستان مرکب از رییس کل دادگاه استیناف و ۱۷ قاضی دیگر)، به‌نام «کاک برن» که رییس دیوان عالی کشور بود حکمی را صادر کرد که به بحث فعلی ما ارتباطی ندارد. دو قاضی دیگر، یعنی «حنان» و «بلک برن» بدین شکل قضاوت کردند که میان دو موقعیت زیر تفاوت ظریفی قائل شدند: یکی جایی‌که خوانده (خریدار) با تصور این‌که جوها کهنه هستند آنها را قبول کرد و دیگری جایی‌که او با گمان این‌که مدعی (فروشنده) طبق قرارداد می‌خواهد جوهای کهنه بفروشد راضی شد تا آنها را بخرد. به عبارت دیگر، سؤال اساسی مطرح شده در پرونده مذکور این بود که آیا خریدار فکر کرد که فروشنده تضمین می‌کند که جوها به اندازه کافی به عنوان خوراک اسب‌ها کهنه باشند (**Beale,H,(1995)"Privity of Contract:Judicial and Legislative Reform"9 Journal ofContract Law. p. 19**).

مسأله اساسی که می‌بایست در مورد حکم صادره مورد توجه قرار گیرد بحث چگونگی ارزیابی آن فکر و تصور است: آیا اعمال مدعی (فروشنده) به گونه‌ای بود که یک انسان عاقل را در جایگاه خوانده (خریدار) متقاعد سازد که فروشنده قصد فروش جوهای کهنه را داشته باشد؟ به بیان دیگر در اینجا ما با یک نمونه قدیمی از کاربرد آنچه که به عنوان آزمون نیت عینی شناخته می‌شود، مواجه هستیم (**Ibid. p20**).

همچنین، در کتاب «تایک و مورایی» (۱۹۸۴) تضمین ارایه شده توسط یک جراح مبنی بر این‌که عمل وازکتومی، یک مرد را برای همیشه عقیم می‌نماید بدین گونه تلقی می‌گردد که به‌طور عینی این نتیجه تعهد او خواهد بود ولی هرچند که کار به درستی پیش رفت – همسر مدعی حامله شد و این‌طور تعبیر شد که جراح به‌طور عینی الزام و تعهد خود را زیر پا گذاشته است (**McKendrick ,E, (2000)Contract Law ,4th ed London: Macmillan. 121**).

٦- شیوه جبران خسارت ناشی از تعهد یک طرفه در انگلیس:

در حقوق کامن لو هر گونه نقض قرارداد اعم از عدم اجرای قرارداد، تاخیر در اجرای قرارداد، یا اجرای معیوب وناقص قرارداد، حق طرح دعوی و مطالبه خسارت را به خواهان (متعهدله) اعطاء می‌نماید و زیاندیده حق دارد غرامت کلیه ضرروزیانهای وارده به خود را که به شکل پرداخت مبلغی پول می‌باشد، مطالبه نماید و تا جایی که امکان دارد پرداخت پول باید وی را در وضعیت یا موقعیتی از نظر اقتصادی قرار دهد که در صورت اجرای قرارداد در آن وضعیت قرار می‌گرفت. یعنی اینکه خواهان حق دریافت زیان خالصی راکه از عدم اجرای قرارداد محروم مانده است، دارد. این مطلب مربوط به اصل جبرانی بودن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

غرامت می شود (**Beale,H,(1995)"Privity of Contract:Judicial and Legislative Reform"9 Journal ofContract Law. p77**).

در حقوق کامن لا وقتی یک طرف از اجرای تعهد خود داری می کند یا به طرف مقابل می فهماند که قصد اجرای تعهد قراردادی خود را ندارد «نقض قرارداد» **Brech of contract** رخ می‌دهد. نقض قرارداد حداقل برای طرف بی تقصیر حق مطالبه خسارت ایجاد می کند. نقض‌های جدی تر علاوه بر حق مطالبه خسارت به طرف بی تقصیر اجازه می دهند که خود را مبران از قرارداد محسوب کند چنان که ممکن است نقض را نشانه فسخ گرفته و یا تصمیم به تائید کردن قرارداد بگیرد (میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۷۷)، مروری بر حقوق قرارداد ها در انگلستان، ص ۱۹۰).

در حقوق کامن لا خسارت معمولا بر این اساس مورد حکم قرار می‌گیرد که طرف متضرر در همان وضعیت مالی قرار گیرد که در صورت اجرای صحیح قرارداد در آن وضعیت قرار می‌گرفت. یعنی باید غرامت از دست رفتن معامله یا از دست رفتن منافع مورد انتظار او به وی اعطا گردد.

در موارد استثنایی برای جبران هزینه هایی که خواهان با تکیه بر قرارداد متحمل شده اند و این هزینه ها به دلیل نقض خوانده بی فایده شده اند، حکم به پرداخت خسارت داده می شود. در چنین موردی هدف قراردادن خواهان در وضعیتی است که پیش از انعقاد قرارداد در آن وضعیت قرار داشت (همان ص ۲۰۱).

قواعد خاصی برای اندازه گیری میزان خسارت وجود ندارد. این امر بسته به نظر دادگاه است. البته بر اساس قانون بیع کالا مصوب ۱۹۷۹ وقتی فروشنده از تحویل کالا خودداری می ورزد و بازاری برای تهیه اجناس وجود دارد، میزان خسارت ما به تفاوت میان قراردادی و قیمت جاری بازار خواهد بود.

در جایی که بایع فروشنده حرفه ای باشد، خسارت ناشی از روند معمولی امور عبارت خواهد بود از فوت شدن منفعتی که در صورت فروخته شدن کالاها به آن خریدار خاص به دست می آمده است. بدیهی است که اگر او توانسته باشد خریدار دیگری به همان قیمت یا بالاتر از آن به دست آورد خسارت پرداختی بسیار اندک خواهد بود (همان ص ۲۰۷).

در حقوق کشورهای کامن لو و انگلستان، پرداخت خسارت مهترین و اولین طریقه جبرانی می باشد. که از این جهت با سیستم حقوقی کشورها حقوق نوشته تفاوت دارد.

در سیستم حقوقی انگلیس نیز تعیین خسارت قراردادی به دو صورت متصوراست:

الف: وجه التزام قراردادی (**Liquidated damages**) که خساراتی است که طرفین، مبلغ آن را از ابتدا در قرارداد بین خود پیشی‌بینی کرده‌اند که براساس آن درصورت نقض قرارداد، طرف زیان‌دیده حق مطالبه آن وجه را دارد (**Ibid. p78**).

ب: وجه التزام قضایی (**Unliguidated damages**) که خساراتی است که تعیین آنها در قرارداد به نظر قاضی رسیدگی کننده واگذار شده است. با این توجه که اگر شرط قراردادی جنبه تحذیری و. . . داشته باشد به تعبیر دیگر اگر مقصود از درج آن واداشتن متعهد به اجرای تعهد اصلی باشد در این صورت شرط

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

متضمن جریمه است. بنابراین زیان‌دیده نمی‌تواند مبلغ تصریح شده را از متعهد متخلف بخواهد بلکه فقط استحقاق مطالبه زیان واقعی را دارد و یا استحقاق آن اندازه از آن را خواهد داشت که طبق اصول مشخصه قابل مطالبه است. در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که شرط تعیین خسارت در قرارداد در هر دو سیستم حقوقی ایران و انگلیس درصورتی واجد آثار و احکام یاد شده است که تمامی شرایط صحت معامله درخصوص آن رعایت شده باشد وگرنه، شرط، باطل و فاقد اثراست (مواد۲۳۲ و ۲۳۳ ق. م).

همین وضعیت در حقوق انگلیس نیز جاری و ساری است زیرا آرای بسیاری را می‌توان دید که در آن به علت بطلان و عدم‌اعتبار شرط، دادگاه به شرط مندرج در عقد توجهی نکرده است؛ برای نمونه دعوای «لرد پریگمن» که در این دعوا خواهان یک دلال پشم بود که پس از بازنشستگی او، خوانده که کارفرمایش بود، پیشنهاد پرداخت مبلغی حقوق بازنشستگی به وی کرد به شرط اینکه به طور غیرمنصفانه‌ای باکارفرمای سابقش رقابت نکند. اما بعداً او برای دریافت حقوق بازنشستگی عقب‌افتاده‌اش، خوانده را تحت تعقیب قرار داد. دادگاه استیناف رأی داد که توافق به پرداخت حقوق بازنشستگی موجب محدودیت تجارت شده و شرط مذکور در آن نامعقول بوده است؛ چون جامعه را از خدمات‌خواهان محروم می‌کرده است. همچنین می‌توان به رأی صادر شده در سال ۱۸۰۹ میلادی در دعوای**"tilke. v. mau riclk"** اشاره کرد (**Atiyah,P. S, (1995), An Introduction to the Law of (Contract ,9th ed,Clarendon Press ,Oxford. p. 100**

برخلاف سایر ضمانت های اجرائی که اعطای برخی از آنها مقید یا مشروط و گاهی اوقات منوط به صلاحدید دادگاه می باشد، پرداخت خسارت همواره امکان پذیر می باشد، ولو آنکه نقض قرارداد منجر به ورود ضرر و زیان واقعی به خواهان(متعهدله) نشده باشد یا آنکه ادله در خصوص اثبات زیان یا تعیین میزان آن به دادگاه ارایه ننموده باشد که در صورت اخیر نامبرده استحقاق دریافت خسارت اسمی را خواهد داشت (کاتوزیان، پیشین، ص ۹۰).

فایده چنین حکمی اینست که ثابت می‌نماید اولاً نقض تعهد صورت گرفته و ثانیاً تثبیت و به رسمیت شناختن حقوق خواهان می باشد. ماهیت این دو نوع مسئوولیت از حیث جبران خسارت واحداست. یعنی در هر دو مورد باید خسارات وارده به شخص خواه ناشی از نقض قرارداد یا ارتکاب فعل زیانبار (مسئوولیت مدنی) جبران شود و همانگونه که لرد بلک برن می‌گوید: زیاندیده باید در وضعیت قبل از ارتکاب خطا (نقض قرارداد یا مسئوولیت مدنی) قرار بگیرد. معهذا طریقه اجرای آن و روش تعیین خسارت در هر دو یکسان نمی‌باشد. در مسئوولیت مدنی، خواهان باید در وضعیت قبل از ارتکاب فعل زیانبار قرار بگیرد. حال آنکه در خصوص خسارات ناشی از نقض قرارداد، باید در وضعیت اجرای کامل و بدون عیب و نقص قرارداد قرار بگیرد (همان ص ۹۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

معهذا مطالب و اصول حاکم بر جبران خسارت و ارکان و شرائط مسئوولیت در بسیاری از موارد در این دو نوع مسئوولیت شباهت زیادی را به یکدیگر دارند. مثلاً بحث مربوط به اثبات رابطه سببیت یا قابلیت پیش بینی خسارات.

نتیجه گیری:

ایقاعات نامعین امروزه در قالب اراده یکجانبه و یا تعهدات یکجانبه در عرصه تجارت و تبلیغات کاربرد زیادی دارد. این دسته از ایقاعات همچون ایقاعات معین اراده ایست یکجانبه. لذا می‌توان با وحدت ملاک از این دسته از ایقاعات و تداشتن خصوصیات منحصر به فرد، اصل صحت در ایقاعات معین را در ایقاعات نامعین نیز جاری ساخت و حکم به پذیرش این دسته از ایقاعات را پذیرفت.

همچنانکه ملاحظه شد، بررسی استدلالات نظری موافقان و مخالفان نشان می‌دهد، مشکل عمده ای در پذیرش قابلیت تعهدزائی ایقاع نامعین وجود ندارد و اشکالات اساسی مخالفین این نظریه اصولاً قابل رفع‌اند. بنابراین پذیرش بی قید و شرط این نظریه نتایج نامطلوبی دارد، برای مثال نه تنها باعث تأثیر اراده یکجانبه به عنوان منبع تعهد می شود، بلکه عقد را در کام خود کشیده منبع بودن آن برای ایجاد تعهد را نفی می‌کند چراکه عقد نیز ماهیتی جز اجتماع اعمال حقوقی مستقل نخواهد داشت. همچنین بر این پایه، می‌توان فرد را بدون وجود دائن، مکلف به تعهد خویش دانست و. . . .

بنابراین، راه حلی میانه را باید انتخاب کرد. بررسی مواد قانونی حکایت از قبول این نتیجه گیری از سوی مقنن دارد. گرچه قانونگذار شیوه اصلی ایجاد تعهد را در توافق طرفین می بیند، اما تمسک به شیوه استثنائی ایقاع در ایجاد التزام را از نظر دور نمی دارد. بنابراین، گرچه می توان در قوانین مختلف به نهادهایی برخورد نمود که اراده فرد را موجد تعهد بر علیه خویش دانسته است ولی استنباط قاعده ای کلی از این موارد به چند دلیل، بسیار بعید به نظر می رسد:

اولاً برخی از این موارد برخلاف ظاهر خود ربطی به اراده یکجانبه فرد و ایقاع نامعین ندارد. بلکه در درون خود توافق دو اراده را داراست اما چون قالب عقود دیگر را ندارد سبب اشتباه می‌شود.

ثانیاً در مواردی که به اراده افراد چنین قابلیتی اعطاء شده است که بتواند بر علیه خود، تعهدزا باشد، این از آن جهت نیست که قانونگذار بخواهد حاکمیت اراده را تا این حد گسترش دهد، بلکه نیازهای اجتماعی و ضرورت حفظ نظم باعث شده تا قانونگذار این حق را به فرد اعطاء کند. به عبارت دیگر در این موارد اراده، شرط تحقق نیازهای اجتماع و خواست قانونگذار است.

ثالثاً حتی اگر مواردی در تأیید تأثیرگذاری ایقاع به عنوان منبع تعهد پذیرفته شود، چنان در بند قالب اسیر است که کاملاً هویداست قانونگذار قصد رها ساختن این اختیار و اراده را در نداشته و نخواسته است با استنباط از این مواد، اختیار عامی به افراد اعطاء گردد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بنابراین، اصل، برخلاف قاعده بودن ایقاع در تعهدزایی و به طریق اولی در ایقاعات نامعین است. این نتیجه، به نوبه خود می‌تواند منتهی به نتایج دیگر شود. برای مثال اگر برخی احکام فقهی ناظر به عقود، به ایقاعات تسری داده شده باشند به عنوان نمونه، همچنانکه صاحب عناوین برخلاف فقهای دیگر، اصل صحت را در شبهات حکمیه نیز جاری دانسته، حکم به اصالةالصحة در ایقاعات داده است. یا برخی دیگر اصل لزوم را نسبت به ایقاع نیز جاری دانسته اند، نمی توان اجرای قواعد یادشده را، تنها در مورد ایقاعات نامعین به اجرا گذارد.

پس نه به راه افراط باید رفت و نه تفریط. موارد ایقاعات مطرح در قانون را به منظور موارد استثنایی باید پذیرفت و از سوی دیگر، از تعمیم حکم موارد یادشده به عنوان قاعده ای کلی اجتناب نمود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اسکینی، ربیعا (۱۳۸۹)، تقریرات درس حقوق تجارت بین الملل، تهران: دانشگاه امام صادق)ع

ـ افتخاری، جواد، (۱۳۸۲)، کلیات عقود وتعهدات، چاپ اول، تهران، نشر میزان،

ـ بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۱)، کلیات عقود و قراردادها، چاپ اول، تهران، نشر میزان،

ـ شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۰)، حقوق تجارت بین الملل، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت،

ـ صفایی، حسین، (۱۳۸۵)، دوره ی مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، دو جلد، انتشارات میزان، تهران، جلد دوم، چاپ چهارم.

ـ فصیحی زاده، علیرضا، (۱۳۸۲)، اذن وآثارحقوقی آن، چاپ اول، تهران، مرکزانتشارات دفتر تبلیغ اسلامی،

ـ قاسم زاده، مرتضی، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی: اصول قراردادها و تعهدات نظری و کاربردی، انتشارات دادگستر، تهران، چاپ سوم،

ـ قنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، حسن، عبدی پور، ابراهیم، (۱۳۸۹) حقوق قراردادها در فقه امامیه، دو جلد، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، انتشارات سمت، تهران، جلد دوم، چاپ نخست.

ـ میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۷۷)، مروری بر حقوق قرارداد ها در انگلستان، تهران، نشر حقوقدان،

ـ نوین، پرویز، (۱۳۸۴)، حقوق مدنی ۳، چاپ اول، تهران، انتشارات تدریس،

ـ نهرینی، فریدون، (۱۳۸۵)، ماهیت و آثار فسخ قرارداد در حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش

__ Atiyah,P. S, (1995), An Introduction to the Law of Contract ,9th ed,Clarendon Press ,Oxford. p. 100

__ Beale,H,(1995)"Privity of Contract:Judicial and Legislative Reform"9 Journal ofContract Law. p. 19

__ Beale,H,(1995)"Privity of Contract:Judicial and Legislative Reform"9 Journal ofContract Law. p77

__ Geoffrey ,Samuel. (2001). *Law of Obligations and LegalRemedies*. Second Edition. Cavendish Publishing Limited. p12

__ McKendrick ,E, (2000)Contract Law ,4th ed London: Macmillan. 121

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]